

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان

محمد ایوب محصلی*

چکیده

تأمین منابع مالی خارجی و بکارگیری روش‌های متنوع آن یکی از ابزارها و پیش‌نیازهای کشورهای در دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی و محقق نمودن اهداف کلان توسعه‌ای آن‌ها است. بین روش‌های موجود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از کارآمدترین و تأثیرگذارترین روش‌ها است، وجود آثار مثبت فراوان بر شاخص‌های اقتصادی و تأثیرات مثبت در سطح بنگاه‌های سرمایه‌پذیر، گواهی بر این کارایی است، به این دلیل بیش از ۳۰ سال است که غالب کشورهای جهان، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای جذب سرمایه‌های خارجی تدوین و به اجرا درآورده و در پی هدایت سرمایه‌گذاران خارجی به کشور متبوعشان هستند. کشور افغانستان، ۴ دهه است که درگیر جنگ و بحران است و همین باعث شده تا سال‌ها از توسعه و پیشرفت اقتصادی عقب بماند. درحالی‌که افغانستان دارای ظرفیت‌های اقتصادی زیاد و موقعیت استراتژیک است. در این مقاله، ابتدا روش تأمین مالی پروژه‌ها و ظرفیت پیش روی ایران بررسی، سپس مزیت‌های نسبی افغانستان با مشارکت و تأمین مالی ایران در راه‌اندازی پروژه‌های بزرگ مطرح شده. **واژه‌های کلیدی:** تأمین منابع مالی خارجی، تأمین منابع مالی غیر قرضی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی جامعه المصطفی العالمیه

تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی

تأمین مالی و توسعه رابطه مستقیمی دارند. پیش‌نیاز نیل به رشد و توسعه اقتصادی یافتن منابع مالی برای بخش‌های مختلف اقتصادی است. تجهیز منابع مالی برای بخش‌های توسعه‌ای و زیربنایی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها طی سنوات اخیر بوده است. تأمین منابع مالی خارجی چه به صورت قرضی و چه به صورت غیر قرضی عمدتاً مورد نیاز ابزارهای موجود تأمین‌کننده بخشی از منابع مالی مورد نیاز دولت‌ها است. تأمین مالی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها از طریق روش‌های مختلفی انجام می‌شود. با توجه به وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان و بحران‌های مالی در این کشورها امکان تأمین سرمایه به خصوص سرمایه‌گذاری مالی مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های بزرگ به راحتی فراهم نمی‌شود، بنابراین انتخاب روش تأمین مالی مناسب در مورد پروژه‌ها مسئله مهمی است. در پروژه‌های مهم و زیرساختی مورد نیاز کشور که امکان تأمین وجوه کامل آن توسط دولت فراهم نیست مانند پروژه‌های نفتی، گازی، معدنی و بسیاری از صنایع دیگر برای توسعه زیرساخت‌ها نیاز اساسی برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات خارجی وجود دارد. (احمد جواد ۱۳۹۸ روش‌های تأمین مالی در بنگاه‌های اقتصادی ص ۱۱)

در تأمین مالی پروژه‌ها با توجه به نوع پروژه و صنعت مرتبط با آن، حجم مالی و زمان مورد نیاز در نظر گرفته شده برای پروژه، شرایط کشور میزبان پروژه از نظر امنیت سیاسی، اقتصادی و قوانین موجود در آن، میزان حساسیت پروژه در آن کشور می‌توان روش‌های مختلفی را برای تأمین مالی پروژه متصور شد که در حالت کلی شامل موارد زیر می‌شود:

انواع تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی

انواع تأمین مالی شامل دریافت وام کوتاه یا بلندمدت، مشارکت در سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری به شرط خرید محصول، فروش سهام شرکت یا صدور اوراق قرضه (البته دو روش آخر برای شرکت‌های بزرگ مقدور است) و غیره انجام می‌گیرد. تأمین مالی پروژه‌ها چه مربوط به بخش دولتی باشد و چه بخش خصوصی یا از طریق منابع داخل کشور صورت می‌گیرد یا از طریق جذب منابع خارجی.

در هر کدام از این روش‌ها گزینه‌های مختلفی وجود دارد که کارفرمای پروژه با توجه به نیاز خود از یکی از این دو روش پروژه خود را تأمین مالی می‌کند، در ادامه هر کدام از این روش‌ها به تفصیل بررسی می‌شود. (همان ص ۱۸).

الف- روش‌های تأمین مالی خارجی

نحوه تأمین مالی و تهیه بودجه اجرایی لازم برای انجام پروژه‌های زیربنایی و بهره‌برداری از محصولات و خدمات حاصل از آن‌ها در حال حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه مطرح است. با توجه به وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه و بحران‌های مالی در این کشورها امکان تأمین سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های بزرگ به راحتی فراهم نمی‌شود، لذا استفاده از راه دیگر، یعنی جذب سرمایه‌های خارجی در این کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. استفاده از سرمایه‌های خارجی به روش‌های قرضی (استقراضی) غیر قرضی (سرمایه‌گذاری) صورت می‌پذیرد

در روش‌های قرضی (استقراضی) کشور سرمایه‌پذیر وامی را از کشور یا موسسه وام‌دهنده دریافت می‌کند و موظف است در سررسیدهای مقرر اقساط بازپرداخت آن را به وام‌دهنده بپردازد،

در این نوع روش‌ها کشور یا بانک وام‌دهنده هیچ‌گونه ریسکی را نمی‌پذیرد و تمام ریسک‌ها متوجه کشور وام‌گیرنده است که این روش‌ها به صورت‌های ذیل می‌باشند. (همان ص ۱۵)

فاینانس (Finance)

فاینانس در لغت به معنی «مالیه» یا تأمین مالی است و از جمله روش‌های متداول و رایج تأمین پروژه‌های توسعه‌ای و ملی که نوعی استقراض خارجی تلقی می‌شود است (در بحث سرمایه‌گذاری به تأمین مالی از طریق استفاده از منابع داخلی و یا دریافت و استفاده از وام ارزی اطلاق می‌گردد) و مکانیزمی است که در آن بین کشور سرمایه‌پذیر و کشور سرمایه‌گذار، قراردادی منعقد می‌شود که طرح یا پروژه‌ای را همراه با نیروی انسانی متخصص، انتقال فناوری، ماشین‌آلات و تجهیزات، مواد اولیه و توان ارزی که لازم توسط کشور سرمایه‌گذار تأمین شود و زمانی که طرح یا پروژه به بهره‌برداری رسید بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و بهره متعلق به آن کشور، سرمایه‌پذیر متعهد می‌گردد که کل قیمت تمام شده طرح یا پروژه را به صورت اقساطی در اختیار کشور سرمایه‌گذار قرار دهد. فاینانس برای وام‌های بلندمدت به کار می‌رود، در خرید ماشین‌آلات و تجهیزات به منظور راه‌اندازی کارخانه‌ها یا سدها و غیره که نیاز مالی به مبالغ قابل توجه ای دارند، از فاینانس استفاده می‌شود. بدین ترتیب در مواقعی که فروشنده کالا حاضر به قبول اعتبار اسنادی مدت‌دار نمی‌گردد و خریدار به خاطر فقدان نقدینگی قادر به افتتاح اعتبار اسنادی نیست معمولاً خریدار از یک موسسه مالی درخواست می‌کند که وارد معامله شود و وجه معامله را به فروشنده نقداً پرداخت کند. معمولاً این تسهیلات بلندمدت است، قرارداد این نوع اعتبارات در صورت وجود خط اعتباری فعال، بین بانک افغانی و خارجی (اعتباردهنده) و تحت نظارت بانک مرکزی منعقد می‌شود؛ فروشنده خارجی از طریق یک بانک، (یکی از شرکت‌های وابسته و مؤسسات مالی خود که فعالیت بانکی دارد) تأمین مالی می‌نماید، خریدار باید به هنگام گشایش اعتبار اسنادی طبق مقررات بانک

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۳۳

مرکزی بین ۱۵٪ تا ۲۰٪ وجه فاکتور فروش را نقداً پردازد و بقیه ۸۰٪ بدهی تأمین مالی را بپذیرد و از نظر فروشنده/ذینفع، این نوع اعتبار دیداری (نقدی) است. ذکر این نکته ضروری است که فاینانس همان وام فروشنده است که در مهروموم‌های قبل از ۱۳۵۷ نیز در ایران برای عملیات سدسازی و نیروگاه‌سازی استفاده می‌گردید. در این معاملات ابتدا خریدار با همکاری فروشنده خارجی با یک بانک تأمین‌کننده منابع مالی شرایط استقراض از طریق فاینانس را تعیین می‌کند، سپس مجوز قانونی گشایش اعتبار اسنادی از طریق فاینانس را دریافت می‌دارد (در اکثر موارد بانک خارجی یک تضمین از بانک مرکزی یا سیستم بانکی می‌خواهد) و خریدار افغانستانی تضمین کافی نزد بانک خارجی در مقابل کل مبلغ ارائه می‌دهد، در ضمن در روش اعتبار اسنادی پشت‌به‌پشت که نوعی دیگر از روش‌های فاینانس است از دو اعتبار جدا از هم استفاده می‌شود. اعتبار اول به نفع ذینفع گشایش می‌یابد که خود به هر دلیلی قادر به تهیه و ارسال کالا نیست؛ به همین جهت با اتکا بر اعتباری که به نفع وی گشایش یافته است اعتبار دیگری برای فروشنده دوم (ذینفع دوم) که می‌تواند کالا را تهیه و ارسال کند، از طرف ذینفع اول گشایش می‌یابد. در مواقعی که فروشنده کالا حاضر به قبول اعتبار اسنادی مدت‌دار نمی‌گردد و خریدار به خاطر فقدان نقدینگی قادر به افتتاح اعتبار اسنادی نیست معمولاً خریدار از یک موسسه مالی درخواست می‌کند که وارد معامله شود و وجه معامله را به فروشنده نقداً پرداخت کند و بهره گیرد (همان ص ۳۱-۲۲).

ریفاینانس (Refinance)

استفاده از خطوط اعتباری کوتاه‌مدت بین‌بانکی حداکثر یک‌ساله جهت گشایش اعتبارات اسنادی بابت واردات کالا را اصطلاحاً ریفاینانس گویند؛ کلیه واردکنندگان کالا و خدمات می‌توانند اقدام به گشایش اعتبارات اسنادی با استفاده از خطوط اعتباری بین‌بانکی نمایند؛ ریفاینانس نوعی گشایش اعتبار اسنادی است که فروشنده/ذینفع در زمان معامله اسناد طبق شرایط اعتبار وجه اسناد

را به صورت نقد از بانک کارگزار دریافت می‌نماید و خریدار با توجه به قرارداد منعقد شده با بانک در زمان تعیین شده در قرارداد اقدام به پرداخت وجه اسناد می‌نماید. حداکثر مهلت خریدار برای پرداخت وجه اسناد یک سال است. واردکننده ایرانی می‌تواند نسبت به خرید کالا به صورت مدت‌دار اقدام نماید و وجه کالای وارداتی را به صورت اقساطی پرداخت نماید در حالیکه فروشنده، وجه کالای خود را به صورت نقدی در زمان ارائه اسناد حمل دریافت می‌نماید

یوزانس (Usance)

یوزانس در لغت به معنی فرجه، مدت، بهره پول، مهلت و وعده پرداخت آمده است و در عرف تجارت بین‌الملل به معنای نسیه تضمین شده است و در اصطلاح سرمایه‌گذاری به معنی توافق بر پرداخت قیمت فناوری و تجهیزات دریافت شده در قبال ارائه برات مدت‌دار است. هزینه یوزانس بهره‌ای است که خریدار کالا علاوه بر قیمت کالا بابت مهلتی که برای پرداخت به وی داده است در سررسید باید بپردازد. یوزانس اعتباری است که وجه اعتبار بلافاصله پس از ارائه اسناد از سوی ذینفع، پرداخت نمی‌شود بلکه پرداخت وجه آن، بعد از مدت تعیین شده صورت می‌گیرد. در واقع فروشنده به خریدار مهلت می‌دهد که بهای کالا را پس از دریافت و فروش آن بپردازد. معامله یوزانس معمولاً در کشورهایی انجام می‌گیرد که کمبود ارز دارند. معمولاً در اعتبار اسنادی مدت‌دار عبارت after Bill of Lading ذکر می‌شود که مفهوم یک L/C مدت‌دار ۹۰ روزه با عبارت فوق این است که زمان شروع این ۹۰ روز همان زمان صدور بارنامه (B/L) است. البته شرایط دیگری نیز هست از جمله، زمان صدور برگ سبز گمرکی و... در اعتبار اسنادی یوزانس، بهره، متعلق به سازنده (فروشنده) کالا است، به این صورت که فروشنده درصد مشخصی را که مورد تأیید خریدار است به مبلغ فروش کالا اضافه می‌کند و اصل و فرع مبلغ را هنگام سررسید مطالبه می‌کند.

اما در اعتبار اسنادی به شکل ریفاینانس بانک تقبل می‌کند که در موعد مقرر، معادل قیمت کالا را از طرف خریدار پرداخت نماید و بعداً اصل و فرع آن را از خریدار دریافت نماید در چنین شرایطی بهره، متعلق به بانک است. در مواقعی که کشورها به کالاهای خاصی احتیاج مبرمی پیدا نماید و فروشندگان خارجی که بازار را در اختیاردارند و از فروش به صورت یوزانس خودداری می‌کنند بانک مرکزی افغانستان با برخی از بانک‌های خارجی اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید تا بانک مذکور در روز معامله اسناد نسبت به پرداخت وجه اسناد به ذینفع اعتبارات اسنادی گشایش شده توسط بانک‌های افغانستان اقدام نمایند.

بانک‌های فوق‌الذکر بر اساس قرارداد در سررسید (پایان دوره یوزانس) مبلغ اعتبار پرداختی به‌علاوه بهره یوزانس را از بانک مرکزی افغانستان دریافت می‌دارند. به این نوع یوزانس اصطلاحاً یوزانس داخلی گفته می‌شود. تفاوت روش فاینانس با روش یوزانس در این است که در روش فاینانس تنها بحث تأمین مالی و دریافت پول به صورت وام مطرح است، درحالی‌که در روش یوزانس بحث کالا، خدمات و یا دانش فنی نیز وارد شده و در واقع این فناوری‌ها از کشور یا موسسه خارجی خریداری می‌گردد، با توجه به نرخ بهره و تنظیم نرخ محصول توسط وام‌دهنده این روش بسیار پرهزینه است. (همان ص ۴۹-۳۱).

وام‌های بین‌المللی (Loans International)

این روش به برقراری مشروط و مشخص برای استفاده از وام و اعمال کنترل موسسه وام‌دهنده بر نحوه هزینه شدن وام در زمان اجرای پروژه برمی‌گردد در این‌گونه موارد می‌بایست مطالعات امکان‌سنجی الزام شده توسط وام‌دهنده به انجام رسیده و توجیه فنی و اقتصادی پروژه موردقبول وی قرار گیرد؛ این روش با روش فاینانس یک تفاوت عمده دارد و آن‌هم به برقراری مشروط و مشخص

برای استفاده از وام و اعمال کنترل موسسه وام‌دهنده بر نحوه هزینه شدن وام در زمان اجرای پروژه برمی‌گردد.

این دسته از روش‌های تأمین مالی پروژه‌ها خود دارای دو شکل ذیل است:

۱- کشور یا موسسه وام‌دهنده هیچ‌گونه شرطی را برای نحوه مصرف وام پرداختی قرار نمی‌دهد و در واقع فاز تأمین مالی از فاز اجرایی آن کاملاً جدا است.

۲- کشور یا موسسه وام‌دهنده بر اعطای وام، به نحوه هزینه شدن آن نیز نظارت کامل داشته و نوع مصرف را از ابتدا با وام‌گیرنده شرط می‌کند.

این روش به برقراری مشروط و مشخص برای استفاده از وام و اعمال کنترل موسسه وام‌دهنده بر نحوه هزینه شدن وام در زمان اجرای پروژه برمی‌گردد. در این‌گونه موارد می‌بایست مطالعات امکان‌سنجی الزام شده توسط وام‌دهنده به انجام رسیده و توجیه فنی و اقتصادی پروژه مورد قبول وی قرار گیرد (همان ص ۱۲-۴۹).

ب - روش‌های تأمین مالی غیر قرضی (سرمایه‌گذاری)

در روش سرمایه‌گذاری تأمین‌کننده‌ی منابع مالی (سرمایه‌گذار) با قبول ریسک ناشی از به‌کارگیری منابع مالی در فعالیت یا طرح مورد نظر، برگشت اصل و سود منابع سرمایه‌گذاری شده را از عملکرد اقتصادی طرح انتظار دارد، استفاده از روش‌های سرمایه‌گذاری به صورت‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم ۲- سرمایه‌گذاری غیرمستقیم ۳- تجارت متقابل

سرمایه‌گذاری مستقیم (Direct Investment) منظور از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مشارکت یک یا چند سرمایه‌گذار خارجی در سهام ثبت‌شده یک موسسه داخلی است که حق و حقوقی را برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند؛ این نوع از سرمایه‌گذاری دارای مزایا و معایب مختلفی است. از جمله مزایای این روش برای دریافت‌کننده سرمایه عبارت است از: انتقال دانش فنی، افزایش توانمندی نیروی انسانی، مشارکت در سود و زیان، اشتغال‌زایی، عدم نیاز به سپردن

تعهد مالی، کسب تجربه‌های مدیریتی و... در عین حال با توجه به این‌که معمولاً کشورهای سرمایه‌گذار به انحراف مختلف سعی در بالا بردن سود خود و صرف کمترین هزینه و انتقال کمترین دانش ممکن را دارند، کشور سرمایه‌پذیر باید در تمام مراحل بسیار با دقت عمل نماید.

انواع روش‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت‌اند از: تملک یا خرید، ایجاد شعبه فرعی از شرکت، سرمایه‌گذاری مشترک، مشارکت در تولید، مشارکت زمانی و مشارکت در سود. برگرفته‌شده از مقاله (بهر روز علی‌شیری) ۱۳۹۷ (تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی: مبانی، الزامات، اقدامات و دستاوردها، ص ۲۱ - ۴۹).

سرمایه‌گذاری غیر مستقیم (Indirect Investment)

در این نوع از سرمایه‌گذاری، کشور یا موسسه خارجی از طریق اوراق بهاداری نظیر سهام، اوراق قرضه بلندمدت، اوراق مشارکت بین‌المللی و... در تأمین مالی پروژه مشارکت می‌نماید. تفاوت این روش با سرمایه‌گذاری مستقیم در این است که در اینجا سرمایه‌گذار در روند اجرای پروژه دخیل نشده و نظارتی ندارد و از نظر مالی تیز تعهداتی نمی‌سپارد؛ تنها در صورت سود یا زیان پروژه، بر اساس سهم‌الشراکه داده شده، سود دریافت می‌کند (همان).

تجارت متقابل (شمارگر trade)

این نوع سرمایه‌گذاری که به آن معاملات متقابل نیز می‌گویند، مجموعه‌ای از روش‌های تجاری است برای توسعه تجارت که در این معاملات صادرکننده (واردکننده) متعهد می‌گردد در قبال کالاهایی که به کشور دیگر صادر (وارد) می‌کنند، یا موسسه سرمایه‌گذار در قبال فراهم‌سازی منابع نقدی (سرمایه لازم برای خرید تجهیزات و نیروهای تولید) و غیر نقدی (تجهیزات، فناوری، دانش فنی و...) موردنیاز برای اجرای پروژه، کالای مرتبط یا غیر مرتبط با کالای اولیه را وارد (صادر) نماید. یا موسسه سرمایه‌گذار اصل سرمایه (مالی و غیرمالی) خود را به همراه سود انتظاری از محل

محصولات یا خدمات تولیدی همان پروژه یا طرح‌های داخلی دیگر و یا در برخی موارد به صورت معادل ارزی آن دریافت نماید (همان).

و مهم‌ترین روش‌های تجارت متقابل عبارت‌اند از:

معاملات تهاتر (Barter): مبادله مستقیم کالاها بدون انتقال پول.

خرید متقابل (Counterpurchase): قرارداد جداگانه‌ای است که از یک سو بر فروش کالا و از

سوی دیگر بر تعهد صادرکننده به خرید از طرف تجاری خود تأکید می‌نماید.

افست (Offset): صادرکننده تجهیزات (غالباً هواپیمایی و نظامی) تعهد می‌نماید که قطعات

مورد استفاده در این تجهیزات یا محصولات دیگر از کشور واردکننده خریداری نموده یا موجبات

خریداری آن‌ها را فراهم نماید.

بیع متقابل (Buy Back): یکی از شیوه‌های رایج معاملات و تجارت متقابل در دنیا است که

در آن سرمایه‌گذار خارجی منابع مالی نقدی و غیر نقدی (ماشین‌آلات، تجهیزات تولیدی یا یک

کارخانه کلی) را جهت توسعه و یا نوسازی بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر در اختیار بنگاه قرار می‌دهد

و در مقابل محصولاتی که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به وسیله تسهیلات تولید شده، بابت تمام یا

بخشی از بهای تسهیلات در مدت زمانی مشخص دریافت می‌شود.

اوراق قرضه (Bonds): ورقه بدهی است که خریدار آن به‌عنوان طلبکار شرکت محسوب

می‌شود و شرکت متعهد است بهره آن را در موعد مقرر و اصل آن را در سررسید پرداخت نماید.

جبران (Compensation): بهای کالای صادر شده (تجهیزات و ماشین‌آلات و ...) باید به وسیله

واردات کالا از آن کشور جبران گردد. (همان)

ج- انواع روش‌های تأمین مالی داخلی

روش‌های تأمین مالی داخلی در دو گروه تأمین مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تأمین مالی کوتاه‌مدت برای پشتیبانی سرمایه‌گذاری موقت در دارایی‌های جاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش‌های تأمین منابع مالی کوتاه‌مدت

- اعتبار تجاری - دریافت کالا و پرداخت وجه آن با فاصله زمان
- وام‌های بانکی - دریافت وجوه مورد نیاز بانک‌ها
- وام‌های مؤسسات مالی تجاری - دریافت وجوه مورد نیاز مؤسسات مالی
- صدور اسناد تجاری - اوراق بهادار قابل مبادله که توسط واحدهای اقتصادی به سایر واحدها، بانک‌ها یا مؤسسات مالی فروخته می‌شود (روش‌های تأمین مالی در بنگاه‌های اقتصادی بهرام و زینب).

تأمین مالی بلندمدت داخلی

ابزارهای ویژه تأمین مالی بلندمدت عبارت است از:

- ۱ - سهام عادی: دارایی مالی است که بیانگر مالکیت در یک شرکت است
 - ۲ - سهام ممتاز: اوراق بهادار دارای سود ثابت و معین
 - ۳ - اوراق قرضه: اخذ وام در قبال صدور اوراق بهادار با نرخ بهره مشخص
 - ۴ - اوراق مشارکت
 - ۵ - اوراق بهادار قابل تبدیل به اوراق مشارکت یا اوراق قرضه
- اوراقی است که سود معین دارد و صادرکننده اوراق قرضه متعهد می‌شود اصل پول و سود را در تاریخ معین پرداخت کند. این اوراق چند کوپن سود دارند که مثلاً هر سه ماه یکبار باید به بانک

عامل مراجعه کرد و با تحویل آن بخشی از سود را دریافت کرد (همان). در کشور افغانستان تأمین داخلی سهامی میسر نیست.

بررسی اجمالی مزیت‌های نسبی اقتصادی افغانستان نسبت به ایران

افغانستان سال‌های اخیر تلاش کرده است تا روابط خود را با همسایگانش از استراتژی امنیت محور به استراتژی اقتصادمحور تغییر بدهد. در استراتژی اقتصادمحور، افغانستان این ظرفیت را دارد تا یک زمینه مناسب را برای روابط خارجی مسالمت‌آمیز بر اساس منافع مشترک فراهم سازد. کشورهای دیگر نیز همین استراتژی را به‌عنوان یک استراتژی پایدار و مسالمت‌آمیز در روابط خارجی‌شان در نظر گرفته‌اند و بسیاری از موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی آنان از همین استراتژی درست منشأ می‌گیرد. اتحادیه اروپا و کشورهای جنوب آسیا در این استراتژی دقیقاً موفق بوده‌اند و در این مسیر گام‌های سنجیده و مؤثر برداشته‌اند. کشورهای مشترک‌المنافع در حوزه آسیای مرکزی هم دقیقاً بر اساس همین استراتژی برنامه‌ریزی می‌کنند.

چین با طرح کلان اقتصادی «یک راه و یک کمر بند» دقیقاً به دنبال احیای جاده ابریشم قدیم و ایجاد یک رابطه مسالمت‌آمیز اقتصادمحور در منطقه است. کشور افغانستان بر اساس وضعیت جغرافیایی که از آن برخوردار است ناگزیر است که با خود را با این طرح کلان چین هماهنگ سازد. کشور چین نیز افغانستان را بخش مهمی از طرح یک راه و یک کمر بند در نظر گرفته است و در این راستا روابط و بررسی‌های دقیق و اثرگذار را با افغانستان در پیش گرفته است.

اما متأسفانه برخی از همسایگان افغانستان مانند پاکستان و ایران رابطه خود را تا هم‌اکنون به‌صورت استراتژی امنیت محور با افغانستان در نظر گرفته‌اند و باعث شده‌اند که این دو کشور نتوانند با افغانستان وارد یک‌فاز درست شود البته بدین گونه نیست که کشور ایران و پاکستان وضعیت مناسب افغانستان را در بخش اتصال کریدور تجاری درک نتوانسته باشند. بلکه واقعیت و

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۴۱

شرایط سیاسی و امنیتی طوری پیش‌آمده است که این دو کشور رابطه امنیت محور را در پیش گرفته‌اند، اما تجربیات سالیان گذشته نشان داده است که رابطه امنیت محور برخی همسایگان افغانستان با افغانستان نه به نفع افغانستان تمام خواهند شد و نه منافع بلندمدت آنان مخصوصاً منافع بلندمدت ایران و پاکستان را فراهم خواهد کرد (صادق صابری) بررسی فرصت‌های تجارت بین‌الملل با کشور افغانستان اتاق صنایع و معادن اصفهان (۱۳۹۹)

الف - مزیت افغانستان در موقعیت ژئوپولیتیک کمربند جاده ابریشم و دروازه ورود ایران به چین و آسیای میانه

افغانستان حدفاصل آسیای میانه و آسیای جنوب غربی به مرکزیت کابل است؛ هم‌سایگان افغانستان، پاکستان در جنوب و شرق، ایران در غرب، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی هستند. این کشور با ۶۵۲'۸۶۴ کیلومتر مربع مساحت چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است. افغانستان کشوری است از نگاه جغرافیای سیاسی موقعیت ویژه‌ای را در بین کشورهای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی دارد. این موقعیت راهبردی فرصت‌های زیادی را از این نگاه ایجاد کرده و در شمال-جنوب برای انتقال انرژی‌های برق و گاز و صادرات و واردات کالاها و اقلام تجاری برای این کشور رقم زده است. به این دلیل از دیدگاه کارشناسان امور اقتصادی افغانستان به حیث یک چهارراه مرکزی و نقطه ثقل جغرافیای اقتصادی منطقه شمال-جنوب آسیا ارزیابی می‌گردد. اگرچه خود به دریا راه نداشته، محصور به خشکی است (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، کابل ۱۳۸۹ ص ۲۲). کشور افغانستان می‌تواند در زمینه ایجاد یک مسیر کوتاه و استراتژیک در حوزه کریدور شمال جنوب و شرق و غرب به صورت مناسب عمل کند. کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا برای انتقال کالاهای تجاری و ترانزیت انرژی ناگزیرند که افغانستان را به عنوان نقطه اتصال این کریدور مهم و حیاتی در نظر بگیرند و کوشش کنند که با

تعامل نیک و همکاری در بخش‌های تأمین امنیت با افغانستان این زمینه مهم اقتصادی را فراهم سازند (بررسی و تحلیل مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان ۱۳۹۹ تهران)

ب - مزیت افغانستان در منابع معدنی زیرزمینی دست‌نخورده فراوان

افغانستان سرشار از منابع مختلف است، مانند معدن مس عینک، بزرگ‌ترین معدن مس افغانستان و دومین معدن مس در جهان است. طبق گزارش وزارت معادن افغانستان، مجموع ذخایر این معدن، ۱۲ میلیون تن است. معدن آهن حاجیگک و معادن نفت و گاز جوزجان از جمله مهم‌ترین و باارزش‌ترین معادن افغانستان به‌شمار می‌روند، معدن آهن که از نظر ظرفیت در دنیا اول است، افغانستان از لحاظ معادن غنی و دارای معادن متعدد است. معادن مس، آهن، طلا و نقره، ذخایر نفت و گاز، نمک، سنگ مرمر، گوگرد، سرب و روی، تالک، آلومینیم و عناصر کمیاب نظیر اورانیوم، برلیم، لیتیم، تتالیم و نیوبیم و... را می‌توان نام برد، منابع عمده برآورد شده در افغانستان عبارت‌اند از: معدنی زغال‌سنگ، مس، کروم، نیکل، طلا، باریت، آهن، نمک، اورانیوم، قلع. ۳۳ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی، ۳.۶ میلیارد بشکه نفت، ۱، ۳۲۵ میلیون بشکه مایعات گاز طبیعی شناسایی شده است. معادن سنگ آهن، زغال‌سنگ، نمک، تالک، روی، لیتیم، مس، سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، سنگ مرمر و دیگر مواد معدنی در مطالعات شناسایی شده است (همان).

۱- معادن سنگ آهن در افغانستان

حدی اقل ۲۱ مورد معادن سنگ کشف شده: ۱. آهن ارغنداب ۲. آهن سرخ کوتل هوتل ۳. آهن بهارک بدخشان ۴. آهن کوه جبل السراج ۵. آهن خاواک پنجشیر ۶. آهن لولنج غوربند ۷. آهن دره میادا ۸. آهن رخه پنجشیر ۹. آهن کوه دشت لوگر ۱۰. آهن کوه قمچین باف میدان ۱۱. آهن دره پنجشیر. ۱۲ آهن کواله بله. ۱۳. آهن پازند در بازارک پنجشیر ۱۴. آهن کرم جدران ۱۵. آهن کوه

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۴۳

شاقول و شیرداغ ۱۶. آهن سیاه تپه و فراخلوم بهسو ۱۷. آهن زرد شنوا ۱۸. آهن کوه شاه مسعود قندهار ۱۹. آهن کوه بچه کرخ هرات ۲۰. آهن سیاه مشرقی ۲۱. آهن گلستان فراه (واحد تحقیق افغانستان کابا ۱۳۸۹)

۲ - ذخایر معادن مس در افغانستان

تاکنون ۱۶ مورد معادن مس در کشور افغانستان ثبت شده که (بزرگ‌ترین معدن مس افغانستان) معدن مس عینک موقعیت: در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی کابل در ولایت لوگر، ۲. معدن مس در کوتل خاواک پنجشیر ۳. معدن مس فرنجل غوربند ۴. معدن مس جیرعلی پنجشیر و تاواخ پنجشیر ۵. معدن مس کوه چراغانی کهنه خمار ولایت میدان در ۶۰ کیلومتری کابل ۶. معدن مس لوگر در منطقه گلدرد ۷. معدن مس گل دره کوه‌دام ۸. معدن مس کوتل قلیچ علاقه کهمرد بامیان ۹. معدن مس ارغنداب، توخی قندها ۱۰. معدن مس دربند ولایت کابل ۱۱. معدن مس گلوغه فراه ۱۲. معدن مس دربند کابل طول زون ۷ کیلومتر عرض ۱ کیلومتر زیاده از ۸۰ میلیون تن ۱۳. معدن مس شهدا هرات ۵ میلیون تن اعیار ۱/۱ - طول ۱۵۰ - ۲۴۰۰ متر ضخامت ۲/۴ - ۸ متر ۱۴. معدن مس دره علیشنگ بغلان ۲۰۰ متر طول عرض ۳۰ متر معیار ۰/۱ مس با سرب وجست ۱۵. اوخان کشان فاریاب طول زون ۲/۵ کیلومتر عرض ۲۰-۲۷۰ متر عیار ۰/۱-۱/۵% مس ۱۶. معدن مس کندالان ولایت زابل ذخیره C1+C2 دارای ۳۷۰۰ تن مس ۳/۸% و سایر عناصر معدن ۱۷. همچنین در معدن طلا زرکشان ولایت غزنی و معدن مس جوهر، معدن مس دربند. معدن مس بلخاب سرپل و غیره محل به تناسب کم وجود دارد (همان).

۳ - منابع سنگ‌های زینتی افغانستان

به دلیل کوهستانی بودن افغانستان؛ معادن سنگ‌های زینتی و غیر زینتی فراوان در این کشور وجود دارد؛ اما معروف‌ترین معادن کشف شده سنگ‌های زینتی

معادن معروف به لاجورد سنگی آبی‌رنگ است که ترکیب کیمیاوی آن شامل فسفات آب‌دار طبیعی آلومینیوم، آهن، منیزیم و کلسیم است این سنگ به خاطر سختی و رنگ آبی خوش‌رنگی که دارد در جواهرسازی به‌عنوان نگین به کار می‌رود. معدن لاجورد سرسنگ، موقعیت بدخشان از نگاه کیفیت در سطح جهان به درجه اول دارای قدامت ۵۰۰۰ ساله معدن دیگری از لاجورد، موقعیت در کوه کوچک (همان).

۴ - معادن سنگ یاقوت

یاقوت یکی از سنگ‌های قیمتی است که در صنعت و زیورآلات کاربرد بسیار دارد. یاقوت در رنگ‌های سرخ و آبی و زرد در دسترس است که در خرافات نشانه قدرت است. موقعیت در جگدک (کیلومتری جاده جلال‌آباد). در ولایت بدخشان (همان).

ج - مزیت افغانستان در منابع آبی فراوان

ذخایر آبی افغانستان به ۷۵ میلیارد مترمکعب می‌رسد در تقسیم‌بندی کشورها به لحاظ داشتن منابع آب افغانستان در زمره کشورهای نیست که با کمبود منابع آب مواجه‌اند. ارزیابی‌های وزارت انرژی و آب نشان می‌دهد که ذخایر آبی افغانستان به ۷۵ میلیارد مترمکعب می‌رسد که از این میان ۷۰ درصد آن را کشورهای همسایه به‌خصوص ایران و پاکستان استفاده می‌نمایند و ۳۰ درصد آن به مقاصد داخلی استفاده می‌شود.

۱- دریای آمو (جیحون)، از کوه‌های پامیر سرچشمه گرفته ۲۶۲۰ کیلومتر طول داشته که حدود ۱۱۲۶ کیلومتر از آن در قسمت مرزهای شمالی کشور با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان است و قسمت‌هایی از آن قابل کشتیرانی است. در سواحل آن دریای شیرخان بندر و بندر حیرتان قرار گرفته که کالاهای صادراتی یا وارداتی افغانستان به ممالک آسیای میانه از این طریق مبادله می‌شود. جیحون دارای آبشارهای متعدد است و برای تولید نیروهای هیدرولیک قابل استفاده است.

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۴۵

۲- دریای هریرود، از کوه بابا در مرکز افغانستان سرچشمه گرفته، از هرات می‌گذرد و در شمال غربی کشور اندکی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل داده سرانجام در ریگ‌زارهای ترکمنستان فرو می‌رود. ۱۲۳۰ کیلومتر طول داشته و دارای آبشارهای متعدد است و برای تولید نیروی برق مناسب است.

۳- دریای کابل، از کوه‌های شرقی سرچشمه گرفته از بین دو شهر مهم «کابل» و «جلال‌آباد» عبور کرده، وارد خاک پاکستان می‌شود و به دریای «سند» می‌ریزد.

۴- دریای هلمند (هیرمند)، از کوه‌های پغمان در غرب کابل سرچشمه گرفته و ۱۴۰۰ کیلومتر طول دارد و در جنوب غربی افغانستان قسمت کمی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین منبع تأمین آب‌های سیستان و بلوچستان و اراضی خشک این ناحیه است. (AREU واحد تحقیقات افغانستان کابل ۱۳۸۹)

د - جمعیت جوان و نیروی کار بیکار

نیروی کار از ثروت یک کشور است که پایه فعالیت اقتصادی بر آن استوار است، آمار منتشرشده نشان می‌دهد؛ نرخ زادوولد در این کشور همواره بالا بوده که تقریباً نیمی از نفوس کشور، جوان می‌باشند. کشورهایی که نیروی انسانی آن‌ها جوان است، سرعت توسعه اقتصادی‌شان نیز بالا است. در صورتی که حکومت از ظرفیت جوانان به خوبی استفاده کند. afghan daly1396 کابل

افغانستان و پروژه‌های اقتصادی در دست اقدام با همکاری کشورهای همسایه

۱ - ساخت خط آهن میان افغانستان، ایران و بی‌طرفی پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و چین، به دنبال افتتاح خط راه‌آهن خاف - هرات در تاریخ (۱۳۹۹-۹-۲۰).

سفیر چین در کابل خبر از آغاز کار ساخت راه‌آهن چین - افغانستان داد، رییس اداره مستقل راه‌آهن افغانستان در ماه اسفند سال گذشته گفت که افغانستان آمادگی جدی برای اجرای این طرح

پنج‌جانبه دارد. محمد یما شمس، رییس اداره مستقل راه‌آهن افغانستان به خبرنگار گفته که انجام مطالعات فنی - اقتصادی این پروژه پنج‌جانبه از شیرخان بندر تا شبرغان با هزینه ۹ میلیون دالر تکمیل شده و قرار است که کارهای عملی این پروژه به‌زودی آغاز شود. کشور پاکستان از اختصاص بودجه برای ساخت راه‌آهن قندهار به هرات نموده است.

سفیر چین، در ماه اسفند سال گذشته‌ی خورشیدی در دیدار با رییس‌جمهور غنی از آغاز ساخت راه‌آهن افغانستان و چین، در آینده نزدیک خبر داد. شبکه‌ی خط‌آهن که از چین به افغانستان می‌آید، از کشورهای فرغزستان و تاجیکستان عبور کرده و بعد از آن از طریق شمال افغانستان به خط آهن ایران وصل می‌شود. این پروژه ۲۱۰۰ کیلومتر طول دارد که حدود ۱۱۵۴ کیلومتر آن از خاک افغانستان عبور می‌کند (ابراهیم رضایی و داود حمیدی رزی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره، ۷۴، ۱۳۹۵، تهران).

۲- خط انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند، مشهور به خط لوله (گاز تاپی)

در بیست و چهارمین اجلاس کمیته رهبری «تاپی» که در ماه حمل سال جاری خورشیدی در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان برگزار شده بود، چهار شرکت از کشورهای عضو این پروژه برای سرمایه‌گذاری دو صد میلیون دلاری روی این پروژه اعلام آمادگی کردند (خراسانی، نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی - اجتماعی افغانستان ۱۳۹۷).

راه لاجورد یا راه ترانزیتی افغانستان به ترکیه

سومین نشست فنی، ترانزیتی و ترانسپورتی پنج‌جانبه راه لاجورد، در ماه حمل سال جاری خورشیدی در شهر آنکارا در ترکیه مورد توافق قرار گرفت. در این نشست که تحت ریاست مشترک افغانستان و ترکیه دایر شده بود، نمایندگان پنج کشور دخیل اشتراک کرده بودند و روی نهایی شدن موافقت‌نامه نهایی این مسیر بحث کردند.

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۴۷

راه لاجورد در ادامه تلاش افغانستان برای توسعه ترانزیت و تجارت این کشور از سوی دولت طرح و پیگیری می‌شود که از بنادر آقینه و ترغندی در شمال و غرب افغانستان آغاز، با عبور از بندر ترکمن باشی در ترکمنستان، وارد باکو در آذربایجان و پس از آن به تفلیس و پوتی در گرجستان و کارس و استانبول ترکیه وصل می‌شود که از این مسیر وارد مرزهای اروپا می‌گردد (همان).

خط ریلی هرات - خاف

توافق‌نامه‌ی سه‌جانبه‌ی همکاری‌های ترانسپورته‌ی و ترانزیتی چابهار (۱۳۹۶) در تهران میان افغانستان، هند و ایران امضا شد، به دنبال آن ساخت خط ریلی از خاف به هرات آغاز گردیده، در سال ۱۳۹۹ به بهره‌برداری رسید.

راه آهن هرات — تورغندی

مقام‌های افغانستان از آغاز به کار راه آهن هرات- تورغندی خبر داده‌اند. آنان می‌گویند که رییس جمهور غنی در سفرش به هرات به خاطر افتتاح بند سلما، از این راه آهن دیدن کرده و گفته است که کار این راه آهن به زودی آغاز خواهد شد (شبکه طلوع کابل ۱۳۹۷).

بر بنیادهای تئوریک ایجاد پروژه‌های مشترک بر اساس منافع متقابل کشورهای همسایه تلاش‌های جدی برای رشد و توسعه اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه از پایان قرن بیستم آغاز شده است. به عقیده بسیاری از اقتصاددان‌های رشد و توسعه، مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نبود سرمایه و خدمات فنی و فناوری است، تأمین مالی پروژه‌ها در کشورهای در حال توسعه از نیازهای اولیه توسعه اقتصادی شمرده می‌شود (نظریه‌های بر رشد اقتصادی ایران؛ دژ پسند ۱۳۹۳ ایران).

افغانستان و ایران هم از قاعده مستثنا نخواهد بود، نگاهی به فرصت‌های سیاست‌های اقتصادی ایران و افغانستان هم‌مرز بودن این کشور با ایران و وضعیت نامناسب اقتصادی باعث شده

ظرفیت‌های زیادی در اختیار ایران در شرایط فعلی افغانستان قرار بگیرد. ضمن اینکه موقعیت‌های ژئوپلیتیک افغانستان و ایران اهمیت توسعه اقتصادی و ایجاد پروژه‌های مانند بندر چابهار، همگرایی اقتصادی بین ایران و افغانستان را افزایش خواهد داد.

استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه افغانستان بعد از خروج آمریکا و ناتو از افغانستان یکی از مسائل بااهمیت در دیپلماسی اقتصادی دولت افغانستان قرار گیرد. در میان کشورهای همسایه، افغانستان علاوه بر ویژگی هم‌مرز بودن، به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاص خود از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای اقتصادی ایران برخوردار است. در حال حاضر ایران بزرگ‌ترین شریک تجاری افغانستان است و این کشور علاقه‌مند به افزایش حجم تجارت خود با ایران و هند از طریق بندر چابهار است؛ با این حال ظرفیت‌های زیادی در مناسبات ایران و افغانستان وجود دارد که می‌توان از آن برای منافع دو کشور بهره‌برداری نمود. کشور افغانستان با ایران ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی در بین همسایگان ایران دارد (فرزانه پورحسین، تأملی انتقادی به چالش‌های امنیتی روابط اقتصادی ایران و افغانستان؛ ۲۰۰۱ ایران).

در طی ۲۰ سال گذشته با ورود میلیاردها دلار کمک خارجی به افغانستان؛ به دلیل گستردگی فساد؛ جنگ؛ و مداخلات بی‌مورد خارجی، کمک‌ها حیف و میل شد. حالا بعد از خروج آمریکا و ناتو از افغانستان، کمک‌های مالی غربی قطع یا محدود به کمک‌های بشردوستانه خواهد شد. دولت افغانستان شدیداً با کمبود منابع مالی و سرمایه‌ای همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته با مشکل کمبود منابع مالی و اعتباری مواجه می‌باشند. کمبود منابع مالی و اعتباری باعث می‌شود تا این کشورها نتوانند برای توسعه کشور، سرمایه‌ای لازم را فراهم آورند؛ بنابراین لحاظ، حکومت باید ابتکاراتی را روی دست گیرد که هدف آن افزایش تأمین پروژه‌های بزرگ ملی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی باشد، به‌طور یقین کاراترین روش برای کشور افغانستان جلب سرمایه‌گذار

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۴۹

خارجی است، اولویت در این راستا کشورهای همسایه همانند بوده که منافع مشترک را به دنبال دارد. قرض از بانک‌های بین‌المللی و... برای افغانستان راحل خوبی نخواهد بود.

ظرفیت ایران با مشارکت در پروژه‌های ملی و توسعه‌ای اقتصادی افغانستان

جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه اقتصادی که در منطقه دارد، می‌تواند در پروژه‌های بزرگ ملی افغانستان به روش هم سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم و روش تأمین مالی و... مشارکت نماید، توانای فعلی و ظرفیت‌دهای ایران نسبت به افغانستان بسیار گسترده است، به‌ویژه با در نظر داشت منافع مشترک دو کشور و اولویت‌های موجود میان دو کشور، موارد ذیل را از اولویت مهم در راستای منافع دو کشور است.

الف: مشارکت در کمربند ژئوپولیتیک راه ابرشم و دروازه ورود ایران از طریق افغانستان به چین

افغانستان در قلب قاره آسیا موقعیت دارد، نزدیکی جغرافیایی افغانستان با کشورهای پر نفوس جهان مانند چین، تاجیکستان، ترکمنستان؛ ازبکستان، جمهوری اسلامی ایران و پاکستان قرار دارد. مرزها از شمال (ترکمنستان ۷۴۴ کیلومتر، ازبکستان ۱۳۷ و تاجیکستان ۱۲۰۶ کیلومتر مرز مشترک)، از غرب (ایران ۹۳۶ کیلومتر مرز مشترک)، از شرق و جنوب (پاکستان ۲۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک)، از شمال شرقی (چین ۷۶ کیلومتر مرز مشترک). آب‌وهوا: خشک و نیمه‌خشک، در زمستان سرد و در تابستان گرم. بلندترین نقطه نوشاخ با ۷۴۹۲ متر ارتفاع از سطح دریا و پایین‌ترین نقطه آمودریا با ۲۵۸ متر ارتفاع از سطح دریا قرار دارد. (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۱۳۸۹ کابل)

همسایه‌های شمالی و غربی نیز از نظر انرژی گاز و نفت غنی هستند. افغانستان چهارراه آسیای میانه، آسیای جنوبی و خاورمیانه است؛ و این فرصتی بی‌نهایت سودآور برای توسعه اقتصادی افغانستان به شمار می‌رود. افغانستان می‌تواند انرژی آسیای میانه را به کشورهای نیازمند مانند

پاکستان، هند، چین و خاورمیانه وصل کند. همچنین ناگفته نماند افغانستان در درازمدت برای توسعه اقتصادی اش به راه آهن نیاز دارد. به صورت استراتژیک در قلب جاده ابریشم واقع است (همان).

تقویت همبستگی اقتصادی منطقه‌ای از طریق بندر چابهار- تاجیکستان - چین؛ افتتاح خط آهن خاف هرات میان جمهوری اسلامی ایران و افغانستان. برای افغانستان که به لحاظ موقعیت استراتژیک می‌تواند جنوب آسیا را به آسیای مرکزی متصل سازد و به این ترتیب جنوب آسیا را به اروپا، پروژه بزرگ فراقاره‌ای راه ابریشم جدید می‌تواند فرصتی طلایی باشد. راه ابریشم از راه‌هایی است که پیشینه خوبی در تجارت میان قاره‌ها مخصوصاً آسیا، اروپا و قسمتی از آفریقا داشته و افغانستان هم در محل تلاقی آسیا و اروپا قرار داشته که نقش کلیدی در این مسیر داشته است.

در این میان ایران و افغانستان امروزی برای هزاران سال نقش یک پل ارتباطی بین شرق و غرب و شمال و جنوب را ایفا کرده‌اند؛ و این یک مدعا نیست. راه ابریشم جدید در واقع می‌تواند زمینه‌های همکاری را مرحله به مرحله گسترش دهد و از مناطقی آغاز شود که در آنجا مزیت بیشتری وجود دارد. یکی از این مناطق مهم آسیای مرکزی و افغانستان است. این منطقه، نقطه توازن دهنده پروژه «راه ابریشم جدید» به شمار می‌رود. چراکه این کشورها در مهر و موم‌های اخیر هیچ‌گونه تنش قابل توجهی نداشتند و بین دولت‌های این کشورها نیز اعتماد بیشتری برقرار است. نتیجه پروژه «راه ابریشم جدید» صدور امن انرژی نفت و گاز و انتقال آن به بازارهای مصرف در اروپا و شرق دور، توسعه حمل و نقل ریلی، جاده‌ای و آبی در سطح منطقه به منظور حمل کالاها و تجارت با سایر کشورها است. (زیباکلام، موانع توسعه روابط ایران و افغانستان؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۹۳)

افغانستان از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم‌مرز است که مردم این مناطق قرابت فرهنگی و دینی زیادی با ایران دارند؛ این مسئله می‌تواند از نظر صادرات اهمیت بالایی داشته باشد.

همچنین روابط راهبردی با افغانستان می‌تواند مرزهای ایران را عملاً تا چین برساند. کوتاهی ایران در ایجاد ارتباط مستحکم با افغانستان، پای رقبای ایران را به این کشور باز خواهد کرد و دست ایران از سرمایه‌های انسانی و طبیعی این کشور کوتاه خواهد شد (همان).

افغانستان می‌تواند در آینده وضعیت اقتصادی آسیای مرکزی و جنوبی را تغییر دهد. منابع این کشور برای احیای دوباره وضعیت اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی منطقه مهم به حساب می‌آیند. بدیهی است که تحقق بیشتر استفاده از منابع افغانستان فقط بعد از ثبات اوضاع سیاسی در این کشور ممکن است اما از همین اکنون می‌توان آشکارا نقش و تأثیر این کشور را در رشد و تحول تجارت منطقه‌ای مشاهده کرد. نقشه حمل‌ونقل آسیای مرکزی در صورت ثبات اوضاع سیاسی در افغانستان به صورت بنیادی تغییر می‌کند؛ و این موضوع وابسته به ساخت جاده‌ها و راه‌آهن مربوط است که آسیای مرکزی را با آسیای جنوبی وصل می‌کند و بر اساس آن ارتباط بین چین با تاجیکستان، افغانستان و ایران برقرار خواهد شد که احداث آن نقش کلیدی را در حمل‌ونقل منطقه‌ای و تقویت روابط تجاری خواهد داشت (همان).

از طرفی محصور بودن افغانستان در خشکی باعث شده این کشور با محدودیت‌های زیادی در روابط خارجی خود به‌ویژه در زمینه تأمین مواد غذایی و تجارت مواجه باشد. نزدیک‌ترین راه‌های دسترسی این کشور به دریا از طریق کشورهای ایران و پاکستان میسر است. بسته شدن متعدد مرزهای مشترک افغانستان-پاکستان در مهر و موم‌های اخیر و ایجاد محدودیت‌های ترانزیتی از سوی پاکستان باعث شده افغانستان توجهی ویژه به بندر چابهار داشته باشد. از طرف دیگر، ایجاد دسترسی سریع‌تر کشورهای آسیای مرکزی از طریق خاک افغانستان به اقیانوس هند و شرق آسیا می‌تواند انگیزه‌های مضاعفی را برای شرکت‌های چینی و هندی در راستای سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و حتی در ایران و پاکستان فراهم سازد (همان).

ب: مشارکت در استفاده از ظرفیت‌های منابع آبی افغانستان در جهت

منافع دو کشور

به نظر می‌رسد که با کاهش نزولات آسمانی در دو کشور همسایه باعث کاهش روزافزون ذخایر آبی گردیده، تقسیم و استفاده از منابع آبی یکی از خاستگاه‌های اصلی منازعه را در بین استفاده‌کنندگان آب در داخل و در روابط کشورها تشکیل می‌دهد. افغانستان سالیان متمادی است که با کشورهای همسایه به خصوص ایران و پاکستان در این مورد مشکل دارد. سرازیر شدن آب دریای هلمند در ایران و آب دریا‌های کابل، پنجشیر، علی شینک و علی نگار در پاکستان هزاران جریب زمین را در این کشورها سیرآب می‌کند درحالی‌که هزاران جریب (مترمربع) زمین در کنار این دریاها در داخل افغانستان از کمبود شدید آب رنج می‌برند. بارها اتفاق افتاده است که هرگونه تلاش دولت افغانستان برای مهار این آب‌ها و استفاده از آن در داخل مورد اعتراض این کشورها قرار گرفته است. چه بسا در خیلی از موارد این کشورها با ایجاد نامنی در مسیر این دریاها تلاش‌های دولت را برای اعمار بند و مهار آب، مانع از پیشرفت کار شده‌اند (عملکرد ایران در استفاده از ظرفیت تجاری کشورهای همسایه ۱۳۹۵).

هرچند به لحاظ شرایط خاص که در افغانستان حاکم است دولت نخواستہ در این زمینه اقدام کند، ولی به نظر می‌رسد که مهار این آب‌ها و استفاده از آن به مقاصد داخلی یکی از اولویت مهم برای توسعه کشور به حساب می‌آید. بعلاوه مصرف داخلی افغانستان می‌تواند سالانه میلیون‌ها مترمکعب آب را به کشورهای همسایه صادر کرده و یک منبع خوب عایداتی برای خود خلق کند. منازعات آبی بین افغانستان و کشورهای همسایه عمیق و پیچیده است، اما حل این مشکل و استفاده از این منابع و صادر کردن آن به کشورهای همسایه می‌تواند یک حوزه مهم در تقویت همگرایی اقتصادی به حساب آید. فروش آب‌های افغانستان به کشورهای همسایه مانند ایجاد فرصت‌های فراوان برای ترانزیت

روش‌های تأمین مالی پروژه اقتصادی با تأکید بر ظرفیت‌های ایران و مزیت‌های نسبی افغانستان ۱۵۳

و تجارت می‌تواند نقش استراتژیک کشور را در منطقه تقویت بخشد. این‌زمانی ممکن است که دولت افغانستان در مقام صادرکننده منابع آب با کشورهای همسایه در مورد مکانیزم استفاده از این آب‌ها به توافق برسد، توافقی که در آن قسمت مورد ضرورت این آب‌ها در داخل مورد استفاده قرار گرفته و صادرات آب افغانستان به صورت رایگان پایان یابد. رسیدن به چنین توافقی هرچند دشوار به نظر می‌رسد ولی یکی از اولویت‌های مهم توسعه برای افغانستان به حساب می‌آید. (فروغی حسین، هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان ۲۰۲۰).

به نظر می‌رسد، در دو دهه اخیر وجود برخی اختلاف‌نظرهای سیاسی - امنیتی به دلیل حضور آمریکا بین دو کشور، وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و همچنین واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی، از عوامل مهم عدم رشد مبادلات اقتصادی بین دو کشور بوده است. در این میان، اختلافات جدی طرفین بر سر موضوعات آبی، سهم بیشتری در کدورت سیاسی و دوری دو کشور از یکدیگر داشته است (فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره، ۲۰ پانیز ۹۵)

آب و تبدیل مرزهای جغرافیایی به مرزهای کشت و صنعت در دو کشور

آب سبب تبدیل مرزهای جغرافیایی دو کشور به مرزهای کشت و صنعت می‌شود که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود.

۱ - تأمین مالی و ساخت سد در داخل کشور افغانستان بر روی رودخانه منتهی به جمهوری اسلامی ایران، مانند هریرود و هیرمند و... این پروژه می‌تواند منافع مشترک زیادی برای هر دو کشور داشته، چه در زمینه اقتصادی، و سیاسی و امنیتی.

۲ - کنترل آب در زمان خروشان بهاری و سیلاب‌ها که خود باعث ضررهای متوجه دو کشور می‌نماید که می‌توان کنترل کرد و در پشت سدها ذخیره نمود.

۳ - تولید برق برای افغانستان، ایران در شرایط فعلی صادرکننده برق به افغانستان است؛ اما می‌شود برق را در داخل کشور افغانستان تولید نمود با هزینه کمتر تولید نمود.

۴ - توسعه کشاورزی، بخش مهم اقتصادی و کشاورزی افغانستان در مناطق شرقی و شمال جنوبی و مناطق غربی که هم‌مرز با ایران است، رونق چندانی ندارد پروژه‌ای سدسازی و توسعه آن در روند تحولات اقتصادی سهم بسزای دارد.

۵ - کنترل تنش‌های سیاسی ناشی از اختلاف‌های منابع آبی (در صورت حل حقوقی آن)

ج: مشارکت در استخراج معادن: به‌ویژه مس، آهن، سنگ‌های معدنی و اورانیوم و...

باوجود زخایر معدنی عظیم در افغانستان، این معادن دست‌نخورده باقی مانده است؛ حتی میزان دقیق آن معلوم نیست؛ اگرچند کشور چین در بعضی از معادن افغانستان فعالیت دارند، اما به دلیل تفاوت‌های زبانی، و نبود مرز زمینی فعال نبوده‌اند (روزنامه پامیر کابل ۱۳۹۷). جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت موجود می‌تواند در استخراج و بهره‌وری سهم به‌سزای داشته باشد.

نتیجه‌گیری

روابط اقتصادی ایران با افغانستان پس از خروج امریکا دوره‌ای جدید برای تعامل سازنده

انتظار می‌رود بعد از خروج آمریکا از افغانستان آنچه دگرگونی‌ای در روابط با افغانستان ایجاد کند؟ این گشایش را می‌توان به پیروزی ملت‌های مسلمان تعبیر نمود که ایران برای به دست آوردن جایگاه مناسب در مقام همسایه‌ای نیکخواه می‌تواند عامل و اشاعه‌دهنده صلح در منطقه و افغانستان باشد که در چند مورد برجسته می‌نماید:

اولویت سرمایه‌گذاری بر بنیاد منافع مشترک و مزیت نسبی اقتصادی

بعد از خروج آمریکا و ناتو کشورهای همسایه افغانستان می‌توانند دیپلماسی اقتصادی فعال داشته باشند، باید اذعان کرد که روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان انتظار می‌رود که در آینده نزدیک گسترش بیشتری پیدا کند (اگر جنگ داخلی شعله‌ور نشود). آمریکا همواره مانع فعالیت اقتصادی ایران در افغانستان در طول ۲۰ سال گذشته بوده است؛ در حالیکه ایران یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری افغانستان است و در حال حاضر صادرکننده اصلی برق به این کشور محسوب می‌شود و در حال ساخت پروژه بزرگ (راه‌آهن - خاف هرات - تاجیکستان) است که به سود توسعه اقتصادی در افغانستان است. با وجود مزیت و ظرفیت اقتصادی در دو کشور همسایه جمهوری اسلامی ایران و افغانستان این را می‌طلبند که در رشد اقتصادی، با در نظر داشت منافع دو کشور مطالعات و مذاکرات صورت گیرد تا مرزهای جغرافیای به مرزهای اقتصادی تبدیل گردد.

حل تنش‌های آبی حل‌نشده

تشریک مساعی پایدار میان ایران و افغانستان برای حل منازعات آب بر سر تقسیم رودخانه هلمند موردنیاز است. مشکلات محیط زیستی در این منطقه فقط محدود به کم‌آبی در ایران نخواهد شد و اثرات آن بر کل اکوسیستم منطقه مسائلی برای افغانستان هم ایجاد خواهد کرد. دوران پسا خروج آمریکا از افغانستان و روابط نزدیک ایران با گروه‌های مانند طالبان، مجاهدین، و دولت فعلی افغانستان، فرصت مناسبی جهت آغاز مذاکرات سازنده در مورد تقسیم آب به‌گونه‌ای که نیاز هر دو کشور را برطرف سازد در اختیار می‌گذارد.

روابط اقتصادی و تضمین‌های امنیتی در منطقه

بعد از شکست و خروج آمریکا از افغانستان و روابط گرم ایران با گروه طالبان، فرصت‌هایی برای تعامل سازنده ایران جهت حل تهدیدات امنیتی مهم در منطقه، مانند افراط‌گرایی خشونت‌آمیز که

ایران به طور بالقوه می‌تواند در سازوکارهای منطقه‌ای مانند کنترل مرزی از تجارت غیرقانونی فراملی، به‌ویژه قاچاق مواد مخدر، فعالانه‌تر مشارکت کند. ایران قابلیت آن را دارد که به‌واسطه ارائه مدل‌های جایگزین از اسلام متساهل، نیرویی برای مبارزه با افراط‌گرایی ایدئولوژیکی و مذهبی در منطقه باشد. ایران می‌تواند گفتمان مدارا، احترام متقابل و تفاهم بین المذاهب در میان جوامع شیعه و سنی، تأکید بر اصلاح و انطباق در اسلام و برجسته ساختن مدارا را احیا کرده و با قدرت بیشتری پیش برود. ایران در عین حال باید مراقب بود با توجه به نفوذ پررنگ عربستان در میان گروه‌های افراطی؛ که افغانستان و منطقه را در جنگ داخلی درگیر نکند.

کتاب‌نامه

۱. غروی نظر محمد عوری «کنفرانس بررسی و تحلیل مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان» شهریور تهران (۱۳۹۹)
۲. دهکردی کریم سلیمانی چالش‌های مرزی ایران و افغانستان در دوره رضاشاه. فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا. شماره ۱۶ (۱۳۹۱).
۳. ارجمند، محمدجعفر جوادی «تحرك‌های طالبان و تأثیر آن در روابط پاکستان، افغانستان و آمریکا» دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار (۱۳۶۷).
۴. صادق صابری «بررسی فرصت‌های تجارت بین‌الملل با کشور افغانستان» اتاق صنایع و معادن اصفهان (۱۳۹۹)
۵. نعمتی نورالله «روابط فرهنگی ایران و افغانستان دوره پهلوی دوم» مشهد، (۱۳۹۲)
۶. یوسف زی، ناصر/ فرزانه پور حسین «آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت سیاسی. پژوهش‌نامه علوم سیاسی (۱۳۹۷)».

۷. یدالله دهقان و عنایت‌الله یزدانی «بررسی نقش و جایگاه افغانستان در روابط استراتژیک ایران و هند» دو فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۳۴ (۱۳۹۷)
۸. آقاجری، محمدجواد، کریمی، مرتضی، نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت‌سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره، ۳۰ تهران.
۹. امین، سید حسن، بازتاب اسطوره بودا در ایران و اسلام، چاپ اول، تهران، نشر میر کسری.
۱۰. بیات، فرنگیس، سیاست خارجی ایران و معضل مواد مخدر افغانستان، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳.
۱۱. توحیدی، ام‌البنین، رویکرد سیاست خارجی هند، قدرت‌های آسیایی، تهران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی وزارت امور خارجه (۱۳۹۰).
۱۲. ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و هند، ۱۳۸۹.
۱۳. دهقان، یدالله، کاظمی، مهدی، بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، تهران، موسسه تحقیقاتی ابرار معاصر، ۱۳۹۲.
۱۴. سریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم‌انتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹.
۱۵. شفیعی، نودر، متقی، افشین، رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر: ۲۰۰۱ با نگاه به ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلتیک، سال هشتم، دوره، ۲۶ شماره دوم، تهران، تابستان ۱۳۹۱.
۱۶. عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید، کمک‌های مالی ایران به افغانستان، تهران، فصلنامه روابط خارجی، شماره سوم، سال سوم، ۱۳۹۰.
۱۷. کنفرانس، بررسی و تحلیل مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان ۱۳۹۹ تهران.

۱۸. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۱۳۸۹ کابل.
۱۹. تأملی انتقادی به چالش‌های امنیتی روابط اقتصادی ایران و افغانستان؛ حسین فرزانه پور ۲۰۰۱ ایران.
۲۰. نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی- اجتماعی افغانستان، خراسانی (۱۳۹۷).
۲۱. بهرام وزینب «روش‌های تأمین مالی در بنگاه‌های اقتصادی» ۱۳۶۹.
۲۲. علیشیری، بهروز (تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی: مبانی، الزامات، اقدامات و دستاوردها، بی) ۱۳۹۴
۲۳. روش‌های تأمین مالی در بنگاه‌های اقتصادی ص ۱۱ (۱۳۹۲).